

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ می ۲۰۲۴

واقعیت های پنهان در عقب ادعاهای فریبنده!

(۴)

سه شنبه- ۲۵ ثور ۱۴۰۳ - کابل:

واقعیت های پنهان:

حال که تا حدودی یک شناخت نسبی از هر دو طرف دعوا پیدا کردیم بر می گردیم به شعار های فریبنده و اغواگر هر دو طرف.

الف- طرف طالب در آغاز ادعا می کرد که گویا آنها در صدد اند تا فرمان "امیر" شان را در زمینه مبارزه علیه کشت خشکاش و در کل تولید و تجارت مواد خدر تطبیق نمایند، به دوام آن اعلام داشتند که علت اعتراض تحریکات نیروهای بغاوتگر به گفته خودشان "خوارج" است.

هموطنان گرامی!

همین که طالب خود بعد از دو روز نشخوار مبارزه علیه کشت خشکاش، پای نیروهای بغاوتگر را در اعتراض داخل نمودند، دال بر چند نکته می باشد:

۱- آنها خود متوجه شده اند که نمی شود مردم و حتی بادران شان را با طرح مبارزه علیه کشت خشکاش فریب بدهند، زیرا نقش آنها در تمام دوران حیات ننگین و آلوده به خون شان در تولید و تجارت مواد مخدر آنقدر واضح و روشن است که دیگر هیچ کس نه تنها در منطقه بلکه در تمام جهان پیدا نمی شود تا حرف آنها را جدی گرفته باور نماید، یعنی با داخل ساختن ادعای جدید بدون آن که اعتراف نمایند، ادعای اول شان را پس گرفتند- این که تا هنوز کسانی اینجا و آنجا پیدا می شوند که برای مبارزه طالب کف می زنند همان "کاسه های داغتر از آتش" طالب می باشند؛

۲- دخیل دانستن نیروهای ضد طالب و به گفته آنها "بغاوتگران و خوارج" در این امر، تکیه بر یک دروغ و افتراء است جهت سرکوب بیرحمانه معترضان. یعنی به همان سان که بادران امپریالیستی و صهیونیستی آنها کشتار بیدریغ خلق فلسطین را به بهانه مبارزه "علیه حماس" ادامه می دهند، طالب هم تصمیم گرفته تا کشتار توده های معترض چند ولسوالی در بدخشان را به بهانه مبارزه علیه "خوارج" و "بغاوتگران" ادامه دهد.

هموطنان گرامی!

آنهايي که از بدخشان و نفوذ نيروها در آن اطلاع دارند مي دانند که فعلاً در بدخشان نيروئي وجود ندارد که بخواهد و بتواند توده ها را عليه طالب به ميدان بياورد.

اين عدم نيروي مخالف طالب بر مي گردد به تاريخچه حضور نيروهاي مختلف در آن ولايات. يعني در حالي که قبل از فاجعه ننگين و خونبار ثور ۱۳۵۷ مي شود گفت قوي ترين نيرو در ولايات بدخشان و تخار آن زمان، نيروهائي بودند که بعد ها به نام "سازا" و "سفزا" ابراز وجود نمودند و حتا از لحاظ کمي بيشتر از متعلقان و هواداران "جنبش دموکراتيک نوين" و "شعله جاويد" بودند، بعد از فاجعه ننگين و خونبار ثور ۱۳۵۷، نخست "باند رباني- مسعود" و بعد تر "باند گلبدين" نيز در منطقه پيدا و حتا سلطه يافتند.

هرگاه ضربات نابود کننده اي را که بر پيکر آحاد "جنبش دموکراتيک نوين" در ولايات تخار و بدخشان وارد آمد نا ديده نگريم، مي بينيم که بعد از سقوط حاکميت مزدوران روس، علي رغم کشتاري که "باند رباني- مسعود" عليه "سازا" ئي ها و "سفزا" ئي به راه انداخت و بنا بر اعتراف شخص "مسعود"، بيشتر از هزار تن از کادرهاي آنها را از بين برد، باز هم در تمام دوران اشغال افغانستان به وسيله امپرياليسم امريکا و ناتو، عمدتاً دو نيرو "باند رباني- مسعود" و بقايای "سازا" ئي هم مخلوط با عناصر خاد و بقيه بازماندگان نوکران روس و چند تن از پيروان مذهب اسماعليه با شعار هاي تجزيه طالبانه در آن محل ابراز وجود مي نمودند. در حالي که ديگر نه حرکت محسوسي از جانب آحاد "جنبش دموکراتيک نوين" ديده مي شد و نه هم از "باند گلبدين". زيرا اولي به گفته زنده ياد "مجيد" در زير آتش متقاطع دشمنان مردم و ملت از نوکران روس و اخوان گرفته تا سوسيال امپرياليسم شوروي ضربات نابوده کننده اي را متحمل شده بودند و دومي يعني "باند گلبدين" عرصه را در رقابت با "باند رباني- مسعود" باخته بود.

با در نظر داشت اين روشنگري، اگر قرار مي بود و يا باشد که در آن ولايات تحريکات سازمان يافته اي عليه حاکميت دار و تازيانه طالب صورت گيرد، بالقوه فقط "باند رباني- مسعود" و "باند تجزيه طالبان" به حساب مي آيند. مگر واقعيت آن است که آنها اگر هم اکنون به مثابه افراد پراکنده، حتا در سطح تشکلات خرد و کوچکي هم در منطقه وجود داشته باشند بر مبنای گذشته هاي ننگين شان و اين که در زمان قدرت طي بيش از ۲۰ سال هيچ گونه خدمتي به توده هاي منطقه انجام نداده اند تا روي مراجعه به توده ها داشته باشند، بالفعل هيچ نقشي در تحريک و ايجاد اعتراضات توده هاي آن ولسوالي ها ندارند.

باشندگان آن ولسوالي ها با شناخت کافي که از هر دو نيروي بالقوه موجود در آن منطقه دارند خوب مي دانند که رفتن به دنبال آنها و به تحريکات احتمالي آنها پاسخ مثبت دادن، خود را به خاطر منافع ديگران گوشت دم توپ ساختن است.

هموطنان گرامي!

اين که امروز طالب ادعا مي کند که گويا آنها همزمان عليه کشت خشخاش، عليه تحريکات "بغاوتگران"، و "خوارج" مبارزه مي نمايند، دروغيست آشکار، که با اولي مي خواهند باداران امپرياليسي و صهيونيستي شان را راضي دارند و با دومي صفوف جاهل و معتاد خودشان را فريب بدهند.

ادامه دارد

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهيم!

مبارزه عليه امپرياليسم، جزء لاينفک مبارزه عليه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبي- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسليح نياز و خواست زمان ما!